یاد

به بهانه سالروز درگذشت حمید سمندریان پدر تئاتر نوین ایران

صحنه خانه من است

محسن یوالحسنی
خبرنگار

هرکاری کرد و به سمت هرچیزی رفت دید روحش آرام نمی‌گیرد و جز هنر نمایش هیچ‌چیز هوش از سرش نمی‌برد. پایش که به دبیرستان رسید به قول خودش عهد کرد هرطور که شده تئاتری شود و اگرچه شاگردی محمود ذوالفنون را هم در همان نوجوانی و در نواختن ساز ویولن تجربه کرد اما این چیزی نبود که او می‌خواست. رفت تا از کلاس‌های تئاتر و هنرپیشگی حسین خیرخواه، شباویز و نصرت کریمی که زیر نظر عبدالحسین نوشین اداره می‌شد سر درآورد. این شروع کار حمید سمندریان بود که بعدها لقب برازنده، یعنی پدر تئاتر ایران به او دادند. دبیرستان را تمام کرد و برای ادامه تحصیل راهی اروپا و جذب دانشگاه صنعتی برلین شد و مهندسی خواند اما بعد از مدتی سر از کنسروتوار عالی موسیقی و هنرهای نمایشی هامبورگ درآورد. حالا دیگر تئاتر چنان جذبش کرده بود که نه مجالی برای موسیقی باقی مانده بود و نه برای مهندسی؛ پس موسیقی را یکسره کنار گذاشت و خود را وقف تئاتر کرد و شش سال زیرنظر ادوارد مارکس، (یکی از استادان برجسته تئاتر)، اصول و مبانی کارگردانی و بازیگری آموخت و همزمان در آلمان به‌صورت حرفه‌ای مشغول به کار شد. بعد از این سال‌ها و کسب تجربه‌ها و آموزش‌های لازم به دعوت اداره هنرهای نمایشی دراماتیک اداره کل هنرهای زیبای ایران به کشور برگشت. اولین کار حرفه‌ای و رسمی حمید سمندریان تله تئاتر «جراحی پلاستیک» نوشته پیر فراری بود که سال ۱۳۴۰ برای تلویزیون ملی ایران کارگردانی کرد. یک سال بعد او و تیمش در اداره هنرهای دراماتیک سالن ۵۰ تا ۶۰ نفری درست کردند که چند برنامه نمایشی در آن اجرا شد. سمندریان اولین اثرش، یعنی نمایشنامه «دوزخ یا در بسته» نوشته ژان پل سارتر را در همین تالار نوبنیاد روی صحنه برد و کار نمایش را تا پایان عمر لحظه‌ای فراموش نکرد و همچنین با همکاری مهدی فروغ به تأسیس هنرستان آزاد هنرهای دراماتیک که وابسته به اداره هنرهای زیبای کل کشور بود، دست زد. در پرونده درخشان حمید سمندریان آن‌قدر کار بی‌نظیر و شاگردان بی‌نظیر و دریغ‌های فراوان وجود دارد که نمی‌شود آن را در چند کلمه مختصر کرد. سمندریان و کارنامه‌اش هم آن‌قدر شناس و درخشان هستند که نیاز به معرفی ندارند و پدر تئاتر ایران که ۹ اردیبهشت ۱۳۱۰ چشم به جهان باز کرده بود در نهایت ۲۲ تیر ۱۳۹۱ از صحنه‌ای که می‌گفت «خانه من است» برای همیشه پایین آمد و چشم از دنیا بست. اما از او میراثی ماند جاودانه و شاگردانی که بعد از او تئاتر نوین ایران را با ذکرخیر و هر آنچه از استاد آموزش دیده بودند پیش بردند و نسلی را تشکیل دادند که نسل در نسل وامدار او بودند. شاگرد عبدالحسین نوشین و رفیق عباس جوانمرد، علی نصیریان، بهرام بیضایی، رکن‌الدین خسروی، آربی اوانسیان و همسر همه روستا، در کنار همه اینها اخلاقی از خود به جا گذاشت که او را در کنار همه ویژگی‌های هنری‌اش، متمایز از هرکس و هر چیز می‌کرد و نامی که از او ماند از همین دوران زندگی پرثمر و اخلاق‌گرا سرچشمه می‌گیرد.

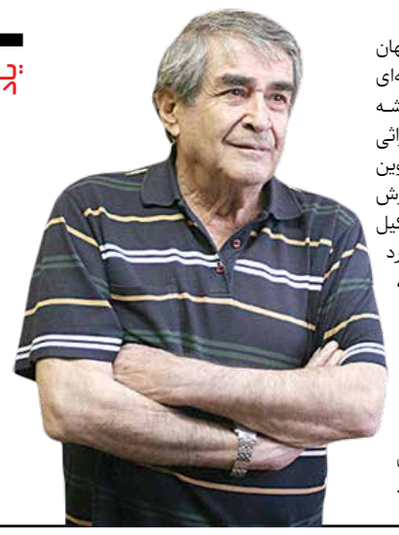

خط خبر

■ در دیدار قادر آشنا، مدیرکل هنرهای نمایشی با اعضای شورای سیاستگذاری هجدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران- مبارک مقرر شد دبیر این رویداد در هفته پیش رو معرفی و این جشنواره در نیمه اسفندماه سال جاری برگزار شود. در این جلسه که با حضور بهروز غریب‌پور، مرضیه برومند و اردشیر صالح‌پور به‌عنوان اعضای شورای سیاستگذاری هجدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران- مبارک برگزار شد، مدیرکل هنرهای نمایشی در خصوص لزوم حفظ استقلال هجدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران- مبارک، تعیین تاریخ برگزاری و انتخاب دبیر در پی درگذشت زنده‌یاد گلزار محمدی با ایشان به گفت‌وگو نشست.

■ علیرضا قربانی در ادامه همکاری‌هایش با پروژه بین‌المللی «صداها و پل‌ها»، قطعه جدیدی به‌نام «نازنی‌نی» (به زبان کشمیری نازنین من) را خوانده است. در این پروژه که پس از تجربه ال سوئنیو (El Sueño) و در ادامه همکاری‌های قربانی با احسان مطوری شکل می‌گیرد، در کنار علیرضا قربانی، قیصر نیظامی خواننده معروف کشمیری نیز اشعاری از ابراهیم مسکین را می‌خواند. اشعار فارسی این قطعه سروده فریدون مشیری است.

■ هیأت داوران نوزدهمین مسابقه مطبوعاتی سالانه انجمن منتقدان، نویسندگان و پژوهشگران خانه تئاتر معرفی شدند. دکتر یونس شکرخواه (روزنامه‌نگار و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)، دکتر مه‌ناز رونقی (روزنامه‌نگار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی) و دکتر امیر روشن (ناشر، عضو جامعه مدیران مسئول مطبوعات و معاون ارتباطات کمیسیون ملی یونسکو- ایران) با همراهی استاد سیف‌الله صمدیان (عکاس، مستندساز و دبیر جشن سالانه تصویر سال) به‌عنوان مشاور عالی هیأت داوران در بخش عکس، کار داوری آثار این دوره را از ۲۱ تیر آغاز کردند.

■ ضبط مسابقه استعدادیابی «عصر جدید» از پنجشنبه (۱۹ تیر) متوقف و استودیوی این برنامه تا اطلاع ثانوی تعطیل شده است. سازندگان و عوامل مسابقه «عصر جدید» با توجه به دستورالعمل وزارت بهداشت مبنی بر استفاده اجباری از ماسک در تمام مکان‌های مسقف و عمومی، تصمیم به توقف ضبط این برنامه و تعطیلی موقت آن گرفتند.

■ پلیس امریکا همچنان در تلاش برای یافتن جسد نایا ریورا بازیگر امریکایی است که از روز چهارشنبه در دریاچه‌ای در جنوب ایالت کالیفرنیا ناپدید شده است. این بازیگر ۳۳ ساله روز چهارشنبه هفته گذشته با اجاره یک قایق همراه پسرش به دریاچه‌ای در جنوب ایالت کالیفرنیا رفت اما پلیس دریاچه چند ساعت بعد پسر او را در حالی با جلیقه نجات و تنها در قایق پیدا کرد که جلیقه نجات «ریورا» و کیف او نیز بدون هیچ اثری از خودش در قایق مشاهده شده است. اگرچه هنوز جسد نایا ریورا پیدا نشده است اما بر اساس اعلام مقامات پلیس او به احتمال فراوان غرق شده است. «ریورا» بیشتر برای بازی در نقش «سانتانا لوپز» در سریال «گلی» شناخته شده است که از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ از شبکه تلویزیونی فاکس به روی آنتن می‌رفت.

■ یکی از همراهان و دوستان نزدیک مهرداد کاظمی خواننده شناخته شده موسیقی کشورمان از اوضاع مناسب جسمانی این هنرمند برخلاف برخی شایعات مطرح شده در فضای مجازی خبر داد.

گزارش ۱

#من-ماسک-می‌زنم

مرضیه برومند: خودمان هوای خودمان را داشته باشیم

نرگس عاشوری
خبرنگار

«چرا ماسک نمی‌زنیم؟» برای پاسخ به این سؤال با گزاره‌های زیادی روبه‌رو می‌شویم؛ با فرضیه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. اینکه بخشی از مردم به‌دلیل مشکلات اقتصادی توان خرید ماسک ندارند، اطلاع‌رسانی مستمر و فرهنگ‌سازی مؤثر برای ضرورت استفاده از ماسک انجام نشده یا برخی به تذکر مسئولان اعتماد ندارند و لزوم زدن ماسک را جدی نمی‌گیرند و... پاسخ‌هایی است که مرضیه برومند به این سؤال داده است. با همه این احوال و به تعبیر این کارگردان اگرچه به‌نظر می‌رسد «بخشی از مردم همچون مسئولان نسبت به زندگی بی‌تفاوت شده‌اند» اما همین زندگی با تمام دشواری‌هایش به قول عباس کیارستمی: «تنها چیزی است که ما داریم». ما حصل گفت‌وگوی ما با مرضیه برومند را در ادامه می‌خوانید.

■ **اخطار برای تهدیدهای جدی‌تر از کرونا**

این سؤال که چرا برخی ماسک نمی‌زنند، کرونا را جدی نمی‌گیرند یا نسبت به زندگی بی‌تفاوت شده‌اند را جامعه‌شناسان و متخصصان باید پاسخ بدهند. اظهارنظر در این باره آمار دقیق می‌خواهد که متأسفانه در مملکت ما یا اعتقادی به اهمیت آمار نیست یا آمار دارند و اعلام نمی‌شود. باید سراغ مردم در مناطق و شهرهای مختلف رفت و از خودشان پرسید که دلیل واقعی ماسک نزدنشان چیست؛ مسأله اقتصادی است یا فرهنگی. آدم‌ها واکنش‌های متفاوتی نسبت به شرایط روز و کرونا دارند، اگر قرار بر توصیه‌ای در این زمینه است باید بر مبنای تحقیقات جامعه‌شناسی باشد. دریافت من از مشاهدات روزانه‌ام این است که علاوه بر مسئولان، به نظر می‌رسد خود مردم هم نسبت به خودشان بی‌تفاوت شده‌اند. البته بی‌توجهی برخی مسئولان نسبت به سلامتی و جان مردم بی‌سابقه نیست، نمونه اخیرش ماجرای آتش‌سوزی کلینیک سیناطهر است. می‌گویند ما اخطار داده‌ایم. خب نتیجه این اخطارها چه بوده؟ چرا فقط به همین اخطارها بسنده کردید و از ادامه فعالیت این مرکز و صدها ساختمان مشابه و غیراستاندارد جلوگیری نمی‌کنید؟ به چه دلیل آتش‌نشانی و شهرداری اجازه و اختیار لازم را برای جلوگیری از فعالیت اینگونه ساختمان‌ها ندارند؟ برای مثال محل و منطقه‌ای که خانه عروسک در آن واقع شده، کوچه تنگ و بن‌بستی در مجاورت کوچه برلن است، این کوچه پر است از تولیدی‌هایی که غالباً با مواد قابل اشتعال مثل پارچه و کاموا و چسب و اسفنج سروکار دارند و به طور قطع کمترین موارد ایمنی در این ساختمان‌های فرسوده رعایت نشده، سیم‌کشی‌ها اکثراً فرسوده هستند و نه تنها سیستم اطفای حریق ندارند بلکه گمان نمی‌کنم کپسول هم داشته باشند، اگر خدای ناکرده جرقه کوچکی بزند کل محله و منطقه می‌سوزد. آیا مسئولان مربوطه اینگونه کارگاه‌ها را از لحاظ ایمنی کنترل می‌کنند؟ پلاسکو یک نمونه بود.

■ **دستان خالی جنوب شهر**

اما فارغ از مسئولان، به نظر می‌رسد برای بخشی از مردم معنای زندگی رنگ باخته و به خاطر مشکلات اقتصادی به سیم آخر زده‌اند؛ بدون کلاه کاسکت سوار موتور می‌شوند و بدون ماسک در مراکز پرازدحام حضور دارند. مسأله آنها فقط زدن یا نزدن ماسک نیست با این ازدحام چه باید کرد. من از دو ماه پیش این شلوغی را لمس کردم و منتظر خیزش کرونا بودم. در نزدیکی خانه عروسک پارکینگ غیراستانداردی است که در زمان‌های شلوغ نگهبان، سوییچ ماشین را برای جابه‌جایی از راننده‌ها می‌گیرد؛ نگهبانی که نه دستکش دارد و نه ماسک و هر روز با صدها نفر در ارتباط است. هر بار که سوار ماشین می‌شوم باید همه ماشین را ضدعفونی کنم وقتی می‌گویم چرا ماسک نمی‌زنی می‌گوید «بی‌خیال خانم برومند، نمی‌شه بابا سخته!». بخشی از مردم این منطقه به‌خاطر سختی کار در محیط پرازدحام و مهمتر از آن، به‌خاطر مضیقه مالی ونداری است که ماسک نمی‌زنند. حساب کنید یک خانواده چهار نفره در هفته به چند عدد ماسک نیاز دارند و سرجمع‌اش ماهانه چقدر می‌شود. مگر یک کارگر تولیدی چقدر درآمد دارد که اینقدر برای ماسک هزینه کند.

■ **شمال شهر را نمی‌فهمم**

این قشر کم‌درآمد و بی‌بضاعت را درک می‌کنم اما آنچه برایم عجیب است رفتار مردم شمال شهر است. نگهبان داخل پارکینگ و کار طاقت‌فرسایش را درک می‌کنم اما آنهایی که سفر می‌روند و میهمانی می‌گیرند را نمی‌فهمم. همین چند وقت پیش در محله ما خانواده‌ای میهمانی صد نفره داشت با بزن و بکوب. چرا چنین می‌کنند؟! نمی‌دانم. باید رفت سراغشان و با آنها صحبت کرد.

■ **تهدید بی‌رحمانه جامعه پزشکی**

این روزها بیشترین دغدغه من درباره جامعه پزشکی است. نه اینکه نگران طبقه‌های مختلف جامعه نباشم، هستم اما بخشی از آدم‌های درگیر با بیماری، خودشان مقصر هستند. نگرانی من بابت تیم پزشکان و پرستارانی است که تقصیری ندارند و اهمال ما آنها را با مرگ مواجه می‌کند. ما طاقت چند ساعت ماسک را نداریم اما آنها صورت‌هایشان در گرمای تابستان زخم شده است. چرا بی‌رحمانه آنها را به خطر می‌اندازیم؟

■ **الان وقت نهی از منکر است**

مناطق شمال شهر از منظر فرهنگی و اقتصادی این آمادگی را دارند که ملزم به استفاده از ماسک شوند آیا به مناطق پایین شهر با این حجم تراکم جمعیت این فرهنگ و آگاهی داده شده؟ اساساً وقتی توان خرید ماسک ندارند این الزام چطور ایجاد می‌شود. اگر منکر را فقط حجاب نمی‌دانیم الان وظیفه گشت امر به معروف و نهی از منکر است تا به مردم آگاهی بدهد، توضیح بدهد، ماسک ارزان قیمت یا حتی به کمک خیرین، رایگان در اختیارشان قرار بدهد. باید کمپین تأمین ماسک برای مردم کم درآمد شکل بگیرد. لازم است این وظیفه اجتماعی را به مردم یادآوری کنیم.

■ **قربانیان کرونا مال شهر خودمان است**

به‌نظرم شفافیت در اطلاع‌رسانی و اعلام آمار می‌تواند به جدی گرفته شدن خطر از سوی مردم کمک کند، چرا آمار مبتلایان و فوتی‌ها به تفکیک شهر و استان اعلام نمی‌شود؟ با اعلام آمار تفکیک شده، مردم هر شهر بهتر درک می‌کنند که این قربانیان، مال شهر خودشان است و مال جای دیگر نیست. نکته بعدی جالی خالی دولت الکترونیک است. این دولت الکترونیک چرا همچنان الکترونیک نیست. خواهرزاده من حدود ۴ ماه پیش ماشینی خریده اما هنوز جرأت ندارد برای شماره‌گذاری اقدام کند. بر فرض ماسک هم بزند وقتی قرار است ساعت‌ها در صف طولانی بایستد چه فرقی می‌کند. چرا من هفتاد ساله برای یک کار ساده مجبورم به اداره ثبت بروم و نمی‌توانم اینترنتی کارم را انجام بدهم؟

■ **با مردم حرف بزنید**

باید با مردم به زبانی حرف بزنیم که اعتماد کنند. یکی از بزرگ‌ترین ایرادها لحن تحکم‌آمیز است. چرا با لحنی دوستانه با مردم حرف نمی‌زنیم، چرا مردم را عزیزان من، هموطنانم یا همشهریان عزیز خطاب نمی‌کنیم. دولتمرد کاریزماتیک می‌تواند مردم را جذب کند. دکتر زالی شخصیت دوست‌داشتنی و شیرینی است. چرا بیشتر با مردم حرف نمی‌زند. چرا به جای اینکه رو به دوربین و به چشم مردم نگاه کند در حالت نیم‌رخ با خبرنگارها حرف می‌زند. سخنگوی دولت چرا همان‌طور که می‌نویسد، چرا همان‌طور که هست با مردم حرف نمی‌زند. چرا ما شخصیت شوخ‌طبع و آشنا به ادبیات و فرهنگی که علی ربیعی دارد را در مقام سخنوری از او نمی‌بینیم. سخنگوی جدید وزارت بهداشت چرا اینقدر خشک حرف می‌زند و به جای آنکه از خصوصیات مادرانه و خواهرانه خود استفاده کند و با مردم رو در رو و مهربانانه سخن بگوید از روی کاغذ می‌خواند انگار دارد درس پس می‌دهد، من حاضرم با ایشان تمرین کنم تا بتواند بهتر با مردم ارتباط برقرار کند و حرف‌هایش تأثیرگذارتر باشد. پربازدیدترین ویدئوهای من در این ایام آنهایی است که صمیمی و خودمانی صحبت کرده‌ام. با دستورالعمل که نمی‌شود مردم را یگانه و همدل کرد. در حالی که تجربه‌های سخت تاریخی نشان داده ما مردم همدلی داریم. با زبان صمیمی‌تر شرایط را برای آنها توضیح دهیم. بگویید مردم می‌دانیم که وضع اقتصادی‌تان خراب است. تأمین ماسک سخت است. ما هم دستمان بسته است. حتی الامکان کمک می‌کنیم. شما هم کمک کنید. در خانه‌هایتان برای خودتان ماسک بسازید. آنهایی که می‌توانند تولید کنند و در اختیار مردم قرار بدهند.

■ **بیایید خودمان هوای خودمان را داشته باشیم**

تمام این گلایه‌ها را گفتم به این امید که تأثیری بگذارد. با همه این احوال ما هنرمندان و فعالان اجتماعی هم احساس وظیفه می‌کنیم تا با بیانی تأثیرگذار به مردم گوشزد کنیم که بیایید مسائل بهداشتی را رعایت کنیم. از رفت و آمدهای غیرضروری خودداری کنیم. حتی الامکان خرید آنلاین داشته باشیم و از ازدحام، میهمانی‌ها و مسافرت‌های غیرضروری پرهیز کنیم. مراعات کنیم. «هموطنان عزیزم، مجبوریم. سیر صعودی کرونا نگران‌کننده است. هم به خاطر خودمان و هم برای کادر پزشکی که نفس کم آورده، بیایید خودمان هوای خودمان را داشته باشیم.»

#یادا

باید دوباره دست به کار شویم

اواخر خردادماه مجبور به تعطیلی پویش یادا* شدیم. با وجود این، درخواست کمک از بیمارستان‌های نقاط محروم همچنان ادامه دارد؛ اما ما دیگر توان نداشتیم. توان مالی ما و آنهایی که کمک می‌کردند اجازه نمی‌داد ادامه بدهیم. این دست کمک‌ها همیشه از طبقه متوسط است. طبقه متوسط است که خیلی همراه است؛ طبقه متوسطی که هر چه جلوتر می‌رود ضعیف‌تر می‌شود. اغلب یاوران پویش یادا به جاهای مختلف کمک می‌کنند؛ از خیریه محک و کودکان بی‌سرپرست تا زنان سرپرست خانوار. صدها خیریه از آنها کمک می‌خواهد اما مگر حقوق یک فرهنگی بازنشسته چقدر است. یک جاهایی کم می‌آورد و به خاطر وجدان و مسئولیت اجتماعی احساس شرمندگی هم می‌کند. حالا دوباره باید فکر کنیم که برای ماسک چه کار کنیم. قدری تأمل کنیم، بیندیشیم که چه کار باید کرد. دوباره ویدئو بگذاریم، از مردم خواهش کنیم و... باید دوباره دست به کار شویم.

* بخشی از هنرمندان کشور با تأسیس مؤسسه بنیان نهاد «یاران درمانگران ایران» با اسم مخفف «یادا» تلاش کردند تا با تهیه لوازم مورد نیاز کادر درمانی سهم خود را در کمک به شکست کرونا ادا کنند.

برش

رد پای سه دوره تاریخی نگارگری منحصر به فرد در نسخه نفیس خمسه نظامی

تأثیر خمسه نظامی بر فرهنگ جهانی

مریم‌سادات گوشه
خبرنگار

گزارش ۲

نفیس‌ترین نسخه خطی از خمسه نظامی شاه طهماسبی در بازار نشر در دسترس عموم است. البته اصل این نسخه ارزشمند در کتابخانه بریتانیا نگهداری می‌شود که به همت دولت ایران و تلاش فرهنگستان هنر از آن تصویربرداری و اکنون بازنشر شده است. اهمیت این نسخه به‌خاطر این است که رد پای سه دوره تاریخی نگارگری ایرانی در آن به چشم می‌خورد. سیدمهدی حسینی، عضو پیوسته فرهنگستان هنر که خود نیز نگارگر است در خصوص ویژگی‌های این اثر نفیس به «ایران» می‌گوید: «خمسه در طول تاریخ از زمانی که توسط حکیم نظامی سروده شده چندین بار در دوره‌های مظفری، تیموری و صفوی نگارگری شده و آخرین بار در دوره قاجار به‌صورت چاپ سنگی نگارگری شده است. هنرمندانی که روی این نسخه کار کردند، شاخص‌ترین هنرمندان دوره صفوی بودند. سلطان محمد، آقا میرک و عبدالعزیز مظفرعلی که در رأس این هنرمندان سلطان محمد بود که مدیر کتابخانه هم بود. این نسخه که اکنون در فرهنگستان هنر رونمایی شد توسط شاه محمود نیشابوری به خط نستعلیق کار شده است. شاه محمود لقب زرین قلم داشته است.»

حسینی در تکمیل ویژگی‌های منحصر به فرد این نسخه نفیس ادامه می‌دهد: «در نسخه خمسه نظامی ۱۴ نگاره و ۱۴ مجلس کار شده است، در صورتی که در شاهنامه شاه طهماسبی ۲۵۸ تصویر داریم. آنچه تمام صفحات خمسه را مستثنی می‌کند این است که تمام صفحات خمسه تشعیر دارد در صورتی که شاهنامه شاه طهماسبی زرافشان‌گری است. در نسخه نظامی اینگونه نیست که فقط از شکار روباه و خرگوش نگارگری شده باشد بلکه رد تمام حشرات و حیوانات را در این تشعیرها می‌توان مشاهده کرد. یعنی به یک صورت جانورشناسی دارد و آن را از دیگر خمسه‌ها مستثنی می‌کند.» او در ادامه در خصوص نگارگری تاریخی این نسخه منحصر به فرد می‌گوید: «تا اواخر دوره صفوی سه صفحه بدون مجلس و نگارگری باقی می‌ماند. یعنی تا زمان شاه سلیمان که در آن دوره دستور می‌دهند که آن را کامل کنند. در آن دوران تمام هنرمندان قبلی از دنیا رفته بودند. بنابراین کار به محمد زمان بهترین تصویرگر و نگارگر اواخر صفوی سپرده می‌شود. او نیز ۳ تصویر آخر را به این نسخه اضافه می‌کند. از استثنائات کار او این است که سعی نکرد نگاره‌هایی مثل آقامیرک یا سلطان محمد اضافه کند. او با توجه به نگاه مدرنیستی که بتدریج وارد ایران می‌شد، نگاره‌های جدیدی در کارش آورده است.» او ادامه می‌دهد: «این نسخه نفیس در دوره‌های مختلف سلطنتی در کتابخانه سلطنتی می‌ماند تا به دوره قاجار می‌رسد. در زمان فتحعلی شاه جلد این نسخه فرسوده شد و تصمیم گرفتند که توسط سید میرزا و محمد میرزا کار شود. این دو نیز نه مثل محمد زمان و نه مثل سلطان محمد کار کردند بلکه تمام ویژگی‌های دوره قاجار را لحاظ کردند. این کار بسیار استثنایی است که سه دوره درخشان تاریخی نگارگری ایرانی را در آن می‌توان دید، آن هم با ویژگی‌های زمان خود. این کار با مشارکت فرهنگستان هنر و شهرداری تهران انجام شد.» نسخه‌های ارزشمند بسیاری از آثار ادبی ایران در سراسر ایران وجود دارد. نسخه‌هایی که قطعاً جایگاهش در ایران است. منیژه کنگرانی مدیر کل گروه‌های علمی فرهنگستان هنر و عضو شورای علمی همایش خمسه نظامی، در مورد ویژگی‌های این اثر نفیس می‌گوید: «فرهنگ ایرانی -اسلامی متن‌های برجسته و شاخص و اسطوره‌های فراوانی دارد. مانند شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، گلستان و بوستان سعدی و...؛ این متون به زبان و فرهنگ ایرانی محدود نمی‌شود و فراتر از مرزهای ایران شناخته شده است. ضمن آنکه توانسته به‌عنوان الگویی برای آفرینش‌های ادبی و هنری قرار بگیرد. از میان این آثار، خمسه حکیم نظامی، یعنی منظومه‌های مخزن‌الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر و اسکندرنامه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این منظومه‌های ادبی بدیع که حاوی انواع مضامین دینی، تعلیمی و تغزلی هستند و در قالب تصاویری ناب و خیال‌انگیز بیان شدند، توانستند به فاصله اندکی پس از سرایش‌شان توسط نظامی، سرمشق و الگویی برای دیگر آثار شوند. خمسه امیر خسرو دهلوی نمونه‌ای است که بر اساس خمسه نظامی سروده شده است.

ضمن آنکه نظامی که به زیبایی در اشعارش از انواع هنر، همچون نقاشی، معماری، مجسمه‌سازی، صنایع دستی و... سخن رانده و از هنرمندان و نقاشانی چون مانی، شاپور و شیده، باربد و نکیسا، فرهاد مجسمه‌ساز و سنمار معمار یاد کرده و توانسته وضعیت هنر زمانه‌اش را بیان کند و مورد توجه هنرمندان هم قرار گرفت.» او در ادامه در پاسخ به تاریخچه این اثر ارزشمند خاطرنشان کرد: «با الهام از این اسطوره متن ایرانی آثار متعددی خلق شد و داستان‌ها و روایت‌های خمسه در اغلب هنرها بازنمود یافت. مانند نقاشی، موسیقی، تئاتر، سینما و...؛ چنانچه امروزه می‌توان به هزاران اثر هنری در حوزه‌های گوناگون اشاره کرد که با الهام از خمسه نظامی آفریده شده است. اگر فقط به نقاشی بپردازیم، می‌توانیم بگوییم از قرن هشتم هجری به بعد نسخه‌های خمسه توسط مصوران نقاشی شده و این سنت تصویرگری تا امروز ادامه یافته. چنانکه حتی هنرمندان معاصر مانند رضا درخشانی، پرویز کلانتری و... مجموعه آثاری براساس خمسه نقاشی کرده‌اند جدای از نقاشی می‌توان به آثار موسیقایی یا نمایشی ملهم از خمسه اشاره کرد یا حتی فیلم شیرین کیارستمی ملهم از داستان خسرو و شیرین نظامی است.»

او در ادامه در مورد تأثیر خمسه بر فرهنگ و هنر جهان افزود: «خمسه در فرهنگ جهانی هم تأثیر گذاشته مثلاً فیلم «نام من سرخ» اورهان پاموک اشاره به خمسه نظامی دارد.»

باقی خداست

ضایعه تأسف‌بار رحلت پزشک حاذق و متعهد شادروان **دکتر جواد شاهمیرانی** را خدمت خانواده محترم شاهمیرانی و آقای مهندس مصطفی فیروزی تسلیت عرض نموده، از خداوند سبحان برای آن فقید سعید رحمت و غفران واسعه الهی و برای بازماندگان ارجمند صبر و شکیبایی مسألت داریم.

آمل- خانواده ابوالقاسم و مهندس علی مصلحی